

معمولاً در دادگاه‌ها شاهدان عینی به سود یا زیان طرف گواهی می‌دهند و پس از طی مراحل، حکم دادگاه صادر می‌شود. بر این اساس نیز در روز رستاخیز شاهدانی بر جرائم اعمال انسان‌های گنهگار گواهی می‌دهند.

قرآن روز رستاخیز را محکمه الهی و روزی که شاهدان با پی خیزند معرفی کرده‌است، چنان‌که می‌فرماید:

«روزی که گواهان به پا می‌خیزند»^(۱) و در آیه دیگر مضمون شهادت آنان را بیان کرده می‌فرماید: «جرمان بر پروردگار خود عرضه می‌شوند و گواهان می‌گویند آنان کسانی هستند که به پروردگار خود دروغ گفتند»^(۲)

ماهیت شاهدان

گواهان روز رستاخیز به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱- شاهدان عینی خارجی (خدا و پیامبران و…).

۲- گواهان داخلی (اعضای بدن مجرم) در اینجا می‌توان از نوع دیگر از شهادت نیز نام برد هر چند بحث جداگانه‌ای دارد و آن مسئله تجسم اعمال است.

مقصود از «تجسم اعمال» این است که اعمال انسان اعم از نیک و بد در سرای دیگر جلوه خاصی دارند، افعال نیک انسان به صورت موجودات زیبا و دلنشین خود را نشان می‌دهند و گناهان انسان به صورت موجودات مهیب و کریه مجسم شده و در حالی که خود یک نوع کثیر برای مجرم به شمار می‌روند، بر جرائم او نیز گواهی می‌دهند.

الف) شاهدان عینی خارجی
نخست به تبیین شاهدان خارجی می‌پردازیم که در آیات قرآن به آنها اشاره شده است.

۱- خداوند بزرگ

شاهد بر کردارهای انسان‌ها خدای بزرگ است که چیزی بر او در جهان پنهان نیست،چنان‌که می‌فرماید:

«چرا نسبت به آیات الهی کفر می‌ورزید، با آنکه خدا بر اعمال شما شاهد و گواه است.»^(۳) و در آیه دیگر می‌فرماید:

«خداوند روز رستاخیز میان آنان داوری می‌کند، خدا بر همه چیز شاهد و گواه است.»^(۴)

و در آیه دیگر می‌فرماید:

« به سوی ما است بازگشت آنان، آن‌گاه خدا بر آنچه انجام می‌دهند، گواه است.»^(۵)

۲- پیامبران الهی

قرآن به روشنی یادآور می‌شود که در روز قیامت، فردی از هر امت بر اعمال آنان گواهی می‌دهد، چنان که می‌فرماید:

«چگونه می‌شود آن‌گاه که از هر امتی گواهی بیآوریم و تو را نیز بر آنان (گواهان) شاهد بیآوریم…»^(۶)

در آیات دیگر نیز به صورت کلی یادآوری شده است که بر هر امتی شاهد و گواهی هست»^(۷)

ولی مفسران گواه هر امت را پیامبر آن امت دانسته‌اند و دلیل این مطلب آن است که قرآن حضرت مسیح را شاهد امت خویش معرفی کرده است،آنجا که می‌فرماید:

«هیچ اهل کتابی نیست مگر اینکه به عیسی پیش از مرگ او ایمان می‌آورد، عیسی در روز قیامت بر علیه آنان شهادت می‌دهد.»^(۸)

می‌دهد) نوعی حضور داشته باشد،اکنون سؤال می‌شود آیا با علم عادی می‌توان بر جمیع اعمال یک فرد که به صورت پنهان و آشکار در تمام مدت عمر خود انجام داده است شهادت داد؟ بنابراین باید بگوییم: پیامبران او بر تو احاطه بر افعال ظاهری و باطنی افراد به چنین شهادتی موفق می‌شوند.

شگفتا و آرینکه پیامبران نه تنها بر اعمال انسان‌های معاصر خود گواهی می‌دهند، بلکه بر اعمال مجموع افراد امت که چه بسا پس از رحلت پیامبر چشم به جهان گشوده و زندگی را آغاز کرده‌اند، گواهی خواهند داد.

از اینجا می‌توان پایه گسترده‌گی علم پیامبران و احاطه غیبی آنان را نسبت به امت‌های خود به دست آورد و بر خلاف

نعمت‌های خدا را به‌یاد آورید، آن‌گاه که در میان شما پیامبرانی برانگیخته و شماها را فرمازانایان قرار داد.»^(۹) در حالی که همه بنی‌اسرائیل فرمانروا نبوده و تنها برخی از آنان مانند داود و سلیمان فرمانروایی داشته‌اند ولی حکومت و فرمانروایی را به همه آنان نسبت داده است، از این جهت باید گفت مقصود از شهادت دادن امت اسلامی خصوصاً بر اعمال ظاهری و باطنی، شهادت آن گروهی است که از علم گسترده‌ای برخوردار هستند و این گروه جز پیشوایان معصوم کسی نیست و اگر بخواییم در این مورد طبقه دیگر از افراد امت را نیز وارد کنیم، یعنی آنان که از نظر تقوا و طهارت در درجه بالایی قرار دارند، ناچاریم برای آنان علم وسیعی قائل شویم که بر اعمال

شاهدان در قیامت از منظر قرآن

اندیشه گروهی از کوفه‌فکران که علم انبیا را به داتره محدودی منحصر می‌کنند این آیات را خلاف‌اندیشه آنان گواهی می‌دهد.

۳- پیامبر اسلام

به حکم آیات گذشته،پیامبر اسلام- صلی الله علیه و آله - بر اعمال امت خود گواهی می‌دهد ولی در این خصوص آیاتی وارد شده است که به همین جهت آن را جداگانه مطرح کردیم.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «طریقه و راه پندرتان ابراهیم (را پیروی کنید)، او شما را در زمان‌های پیش مسلمان نامیده است و در این مورد پیامبر بر شما گواه است و شما نیز گواهان بر مردم می‌باشید.»^(۱۰) و در آیه دیگر می‌فرماید:

« شما را امت برگزیده قرار دادیم تا بر مردم شاهد و گواه باشید و پیامبر نیز بر شما شاهد و گواه باشد.»^(۱۱)

در برخی از آیات قرآن، پیامبر گرامی شاهد و مبشر معرفی شده است،آنجا که می‌فرماید: «ای پیامبر، ما تو را گواه و نوید دهنده برانگیختیم.»^(۱۲)

ممکن است مقصود از این شاهد، شهادت بر اعمال در روز رستاخیز باشد.

با توجه به اینکه ادای شهادت فرع تحمل آن است این آیات خود گواه روشنی بر وسعت و گسترده‌گی علم پیامبر اسلام بر اعمال ظاهری و باطنی امت اسلامی می‌باشد.

۴- گواهیی دادن افرادی از امت اسلامی

در برخی از جمله‌های آیات گذشته استفاده می‌شود که امت اسلامی می‌تواند نیز جزء گواهانند، مثلاً در آیه ۱۴۳ سوره بقره یادآور می‌شود که ما شما را امت برگزیده قرار دادیم تا شاهد گواه بر مردم باشید در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا همه امت اسلامی شاهد و گواه می‌باشند، در این صورت مشهود علیه کیست؟ می‌توان گفت شهود، همه امت اسلامی و مشهود علیه، امت‌های پیشین می‌باشند؟ یا

از شگفتی‌های روز رستاخیز این است که عضو مجرم بر گناه او گواهی دهد که دیگر جای هیچ شک و تردیدی برای خود مجرم و حاضران و ناظران نماند. قرآن در این مورد می‌فرماید: «روزی که زبان و دست و پای آنان به کارهایی که انجام داده‌اند، گواهی می‌دهند.»

بنابراین می‌توان شاهد هر امت را پیامبر آن امت دانست.
در اینجا مطلب دیگری نیز قابل توجه است و آن آنکه در آیه گذشته (و چنان‌که غلی هؤلاء شهیداً) خود پیامبر گواه (بر آنان) معرفی شده است، اکنون باید دید مقصود از آن کیست؟

آیا مقصود گواه بودن بر پیامبران پیشین است که در حقیقت پیامبران شاهدان امت خویش بوده و پیامبر اسلام شاهد بر شهود می‌باشد و یا مقصود شهادت پیامبر اسلام بر امت خویش است؟

در اینجا دو احتمال وجود دارد، مرحوم طبرسی همان احتمال نخست را ذکر کرده و از احتمال دوم ذکری به میان نیاورده است و از اینکه در آیه، کلمه «هؤلاء» به‌کار برده (و چنان‌که یک هؤلاء شهیداً) می‌توان گفت که مقصود همان امت خود پیامبر -صلی الله علیه و آله - است.

ایمن آیت از علم گسترده و همه‌جانبه

«شاهدان» برده برمی‌دارد و اینکه شاهدان امت‌ها را کارهای ظاهری و باطنی آنان آگاه می‌باشند، زیرا «ذابه» شهادت فرع «تحمّل» آن است و شهادت به حکم اینکه به معنی شهود و حضور است مستلزم آن است که شاهد نزد مشهود به (کاری که بر وقوع آن شهادت

از همه عجیب‌تر این است که عده‌ای به نسام حمایت از ملت ایرانی و نژاد ایرانی بزرگ‌ترین توهین‌ها را به ملت ایران می‌کنند. گاهی می‌گویند: «ملت ایران با کمال احترام جدیت می‌خواست از حکومت و رژیم و آیین خودش دفاع کند ولی با آن‌همه شوکت و قدرت و جمعیت مد و چهل میلیون و وسعت سرزمین، در مقابل یک عده پنهان شمت هزار نفری عرب شکست خورده». اگر راست است، پس چه ننگ بزرگی!

گاهی می‌گویند: «برائیان از ترس، کیش و عقیده و ایمان خویش را عوض کردند». واقعاً اگر چنین باشد، برائیان از پست‌ترین ملل جهانند. ملتی که نتوانند عقیده قلبی خود را در مقابل یک قوم فاتح حفظ کنند، شایسته نام انسانیت نیست.

گاهی می‌گویند: «ایرانیان چهارده قرن است که زیر یوغ عرب هستند؛ یعنی به آنکه سیادت نظامی عرب یکصد سال بیشتر طول نکشید، هنوز پشت ایرانیان از

ضربتی که در چهارده قرن پیش خورده، راست نشده است.» زهی ضعف و ناتوانی و بی‌ایلیاتی و بی‌عرفی! این‌ها نیمی بخشی از افریقا پس از قرن‌ها استعمار همه جانبه اروپایی زنجیر‌ها را یکی پس از دیگری پاره می‌کنند و خود را آزاد می‌نمایند، اما ملتی متمدن دارای سابقه فرهنگی کهن از قومی بیابانی شکست می‌خورد و طولی نمی‌کشد که قوم فاتح نیروی خود را از دست می‌دهد اما این ملت شکست خورده هنوز از خاطره شکست چهارده قرن پیش وحشت دارد، روزبه‌روز بیشتر فکر و ادب و رسوم و زبان قوم فاتح را بر علی‌غمل میل باطنی خود وارد زندگی خود می‌کند!

گاهی می‌گویند: «ایرانیان از آن جهت شیعه شدند که در زیر پرده حقیقت و متعقبات و ادب اکهن خویش را حفظ کنند؛ در همه این مدت طولانی از روی نفاق و دورویی اظهار اسلام کردند و همه

معارفMaarefkayhan@Kayhan.ir

درمای کار نیک انجام داده است، آن را می‌دند و هر کس به‌اندازه سنگینی درمای کار بد انجام دهد، آن را خواهد دید.»^(۱۳)

ناگفته پیداست که همه‌ اجزاء زمین بر افعال یک انسان گواهی نمی‌دهند، بلکه نقطه‌ای که انسان در آن، کار نیک و بد انجام داده است، همان نقطه به شهادت بر می‌خیزد و روایات نیز بر این مطلب گواهی می‌دهند. امام صادق (ع) در پاسخ پرسش کسی که سؤال کرد آیا نمازهای نافله را در یک جا انجام دهیم یا در جاهای مختلف؟ فرمود در جاهای مختلف، تا این مکان‌ها در روز رستاخیز به نفع تو گواهی دهند.»^(۱۴)

درباره شهادت مکان بر اعمال انسان در قیامت روایات بسیاری وارد شده است که در

شاهدان در قیامت از منظر قرآن

پنهانی دیگران نیز آگاه بوده و بتوانند بر آن نیز گواهی دهند و یا لاقال شهادت آنان را به اعمال ظاهری آن هم در مورد افراد معاصر با خود اختصاص دهیم.

البته این بحث دامنه گسترده‌ای دارد که باید تحت عنوان «حقیقت شهادت و شاهد» در قرآن، مورد بررسی قرار گیرد.

۵-فرشتگان ناظر بر اعمال

گواهان دیگر فرشتگانی هستند که در دنیا ناظر بر اعمال افراد بوده و در قیامت با آنان وارد دادگاه الهی می‌شوند. یکی از فرشتگان مأمور جلب مجرم به دادگاه است و دیگری گواه بر اعمال او چنان که می‌فرماید:

«هر انسانی در حالی که با او مأموری و گواهی همراه است وارد می‌شود، به او گفته



می‌شود تو از سرای دیگر غافل بودی، پرده را کنار زدیم، امروز ببینای تو نیز است و یکی از دو فرشته همراه مجرم می‌گوید حساب او پیش من حاضر است.»^(۱۵) امیرمؤمنان (ع) پس از ذکر آیه یاد شده می‌فرماید:

«سَأَلْتُ نَبِيَّهُوَإِلَى مَخْشَرِهِأَشْهَدُ يَشْهَدُ عَلَيْنَا بِعَمَلِنَا» مأموری که گنهگار را به سوی محشر (محکمه الهی) هدایت می‌کند و روایات و فرشته‌ای که (در دنیا) شاهد اعمال او بوده و در آن محکمه علیه او شهادت می‌دهد.»^(۱۶)

در آیات دیگر نیز به شهادت فرشتگان اشاره شده است، چنان‌که می‌فرماید:

«هیچ سخنی را نمی‌گوید مگر اینکه در کنار آن نگهبان حاضری است.»^(۱۷)

و باز می‌فرماید: «برای شما نگهبانانی گمارده شده است، نویسندگان گرانقدر، آنچه را که انجام می‌دهید می‌دانند.»^(۱۸)

ع-زمین یا مکان انجام عمل

یکی از گواهان نقطه‌ای است که کار خوب یا بد در آن انجام می‌گیرد.

قرآن در این مورد می‌فرماید:

« در چنین روزی زمین از حوداتی که در آن رخ داده است خبر می‌دهد، زیرا پروردگارش به آن وحی نموده و او را آگاه کرده است.»^(۱۹) در اینکه زمین از چه چیز خبر می‌دهد در آیه مطلبی ذکر نشده است ولی با توجه به اینکه آیه ناظر به برانگیخته شدن انسان‌ها در قیامت می‌باشد و اینکه آنان کارهای خود را خواهند دید، روشن می‌شود که اخبار زمین مربوط به کارهایی است که انسان‌ها روی آن انجام داده‌اند، خواه کارهای نیک و خسواه کارهای بد، از این جهت به دنبال آن، مسئله کثرت یا پداش اعمال انسان را مطرح کرده می‌فرماید:

«در این روز انسان‌ها (پس از محاسبه) گروه گروه بر می‌گردند، تا اعمالشان به آنان نشان داده شود، پس هر کس به‌اندازه سنگینی

اهانت در شکل حمایت پاسخ‌های شهید مطهری به چند شبهه معروف درباره ایران و اسلام

و فرهنگ خویش را تغییر داد.» زهی بی‌صالتی و بی‌ریغی! گاهی می‌گویند: «ایرانی مایل بود از حکومت و آیین آن روز خویش دفاع کند و حمایت نمایند اما نکرد، ترجیح داد خود را کنار کشد و تماشایچی باشد.» زهی گاهی می‌گویند: «پرسه این‌همه گرایش‌ها، فداکاری‌ها، درک یک سلسله حقایق و معارف و سختی اسلام و تشیع با روح ایرانی نبوده است، بلکه فقط یک پیوند زناشویی بوده است. این ملت فقط به خاطر یک پیوند زناشویی، مسیر زندگی

مقصود از «تجسم اعمال» این است که اعمال انسان اعم از نیک و بد در سرای دیگر جلوه خاصی دارند، افعال نیک انسان به صورت موجودات زیبا و دلنشین خود را نشان می‌دهند و گناهان انسان به صورت موجودات مهیب و کریه مجسم شده و در حالی که خود یک نوع کیفر برای مجرم به شمار می‌روند، بر جرائم او نیز گواهی می‌دهند.

چنین فکر خامی در او راه یابد در این صورت شاهدان الهی (پیامبران و فرشتگان) علیه او شهادت می‌دهند و در صورتی که گواهی آنان را نیز انکار کند اعضای بدن او که به وسیله آنها گناه را انجام داده است خود بر گناهان او گواهی می‌دهند و دیگر هیچ راه فراری برای او نخواهد بود.

ب) شاهدان داخلی
مقصود از شاهدان داخلی، گواهانی است که جزء بدن انسان بوده یا به گونه‌ای به او مرتبط باشند، اینک بیان این بخش:

– **اعضای بدن**
مقصود از شاهدان داخلی، گواهانی است که جزء بدن انسان بوده یا به گونه‌ای به او مرتبط باشند، اینک بیان این بخش:

در برخی از روایات استفاده می‌شود که قرآن در روز رستاخیز به صورت انسانی مجسم می‌شود و خدا به او خطاب می‌کند که بندگان مرا چگونه دیدی؟ (با تو چگونه رفتار کردند؟)

او در پاسخ می‌گوید: پروردگارا گروهی از آنان مرا حفظ کرده و چیزی از من ضایع نکردند و برخی از آنان مرا ضایع کردند، حق مرا سبک شمرده و تو تکذیب من بر خراستند و من حجت تو بر تمام خلق می‌باشم.

در ایسن هنگام خطاب می‌آید: به عزت و جلالم گوسفند به خاطر تو گروہ نخست را بهترین پادشای و گروه دیگر را به عذاب درنداک کیفر خواهد داد.»^(۲۰)

۹-نامه اعمال

یکی از گواهان در روز محشر خود نامه اعمال است که در آن خوبی‌ها و بدی‌ها و منعکس می‌باشد و قرآن در آیات مختلفی به وجود چنین صحیفه تصریح می‌کند، آن‌جا که می‌فرماید:

«گو خدای من در بی‌اثر ساختن مکر و حیله آنها سریع‌تر از آنان است، فرستادگان ما تمام نقشه‌های (اعمال) شما را می‌نویسند.»^(۲۱) در آیه دیگر می‌فرماید:

«با آنان گمان می‌کنند که ما سخنان پنهانی و آهسته آنان را نمی‌شنویم؟ آری فرستادگان ما نزد آنان کارهای آنها را می‌نویسند.»^(۲۲)

در این دو آیه هر چند سخن از نگارش سخنان و یا اعمال آشکار و پنهان افراد است و به گواهی دادن آن در روز قیامت اشارهای نشده است ولی به طور مسلم این نگارش به خاطر احتیاج با آنها است و لذا در برخی از آیات درباره موقعیت صحیفه اعمال چنین می‌فرماید:

«صحیفه اعمال در برابر مجرمان قرار می‌گیرد و آنان از دیدن آن خائف و ترسان می‌شوند.»^(۲۳)

و در آیه دیگر می‌فرماید:

«روز قیامت طرفداران باطل زینکارند، هر امتی را نمی‌نگری که به زانو درآمده است و به سوتی کتابش (نامه اعمال) خوانده می‌شود، به آنان گفته می‌شود این کتاب ما است که به حق بر علیه شما سخن می‌گوید.»^(۲۴)

شگفت‌انجیاست که صحیفه‌اعمال چنان کارهای ریز و درشت را ضبط کرده است که فرد مجرم از ضبط آن انگشت حیرت به دندان گرفته می‌گود:

«چگونه این کتاب، هیچ ریز و درشتی را فرو گذار نکرده و همه را برشمرده است.»^(۲۵) و از آیات دیگر استفاده می‌شود که نامه اعمال هر انسانی به گردن او آویخته می‌شود، چنان‌که می‌فرماید:

«نامه اعمال هر انسانی را به گردن او می‌آویزم و روز قیامت به صورت کتابی بیرون می‌آوریم و او آن را گشاده می‌پاید.»^(۲۶)

ممکن است گفته شود چگونه صحیفه اعمال خود گواه بر جرائم گنهگار می‌باشد؟ زیرانامه‌های اعمال چیزی از قبیل پرورنده‌هایی است که در محکمه‌های دنیا برای زهکاران تشکیل می‌دهند و آنچه در پرورنده مکتوب است در حد اتهام و ادعا است و فرد مجرم می‌تواند در برابر آن از خود دفاع کند و اثبات آن تنها از طریق گواهان یا صلاحیت ممکن است.

در پاسخ یادآور می‌شویم هر یک از و نیز آیات و روایات دیگر از این قبیل ما را به یک حقیقت رهنمون می‌کنند و آن است که تمام موجودات از نوعی ادراک بر خوردارند و میزان درک و آگاهی آنها بستگی به میزان درجه وجودی آنها دارد، چنان‌که قرآن کریم در جای دیگر می‌فرماید:

«هیچ موجودی نیست مگر آنکه خدا را تسبیح می‌گوید ولی شما تسبیح آنان را درک نمی‌کنید.»^(۲۷) این مطلب از نظر مبانی حکمت متعالیه در فلسفه اسلامی امری مسلم و غیر قابل تردید است و این خود از امتیازات و شگفتی‌های قرآن است که از یک واقعیت بسیار دقیق پرده برداشته است، آن هم در زمانی که‌اندیشه بشر کمترین توجهی به این نوع مطلب دقیق نداشته است.

۷-شهادت‌های زمان یا گردش شب و روز
این مکان به حکم آیات قرآن بر اعمال انسان گواهی می‌دهد، زمان و روز و شب نیز بسان مکان گواهی خواهند داد.

امام صادق(ع) می‌فرماید: آن‌گاه که روز آغاز می‌شود به فرزندان آدم چنین خطاب می‌کند:

اهانت در شکل حمایت پاسخ‌های شهید مطهری به چند شبهه معروف درباره ایران و اسلام

و فرهنگ خویش را تغییر داد.» زهی بی‌صالتی و بی‌ریغی! گاهی می‌گویند: «ایرانی مایل بود از حکومت و آیین آن روز خویش دفاع کند و حمایت نمایند اما نکرد، ترجیح داد خود را کنار کشد و تماشایچی باشد.» زهی گاهی می‌گویند: «پرسه این‌همه گرایش‌ها، فداکاری‌ها، درک یک سلسله حقایق و معارف و سختی اسلام و تشیع با روح ایرانی نبوده است، بلکه فقط یک پیوند زناشویی بوده است. این ملت فقط به خاطر یک پیوند زناشویی، مسیر زندگی

چراغ راه

صدافت در گفتار و ادای امانت به خوبان و بدان

کلید رزق انسان

«سحاق ابن عمار» و یحیی ابن علا قا لا عن الامام الصادق(ع): «ما ودعنا قط الا اوصانا بخصلتین: علیکم بصدق الحدیث و اداء الامانه الی البر و الفاجر، فانهما مفتاح الرزق».
سحاق ابن عمار و یحیی ابن علا از قول امام صادق(ع) نقل می‌کنند که هرگز نشد امام صادق(ع) با ما خداحافظی کند، مگر آنکه ما را به دو خصلت سفارش فری کرد و می‌فرمود: بر شما باد به راستگویی و ادای امانت به هر نیکوکار و بدکاری، که این دو خصلت کلید رزق است. ^(۱)

۱- امالی، شیخ طوسی، ص ۶۷۶

حکایت خوبان

خطرناک‌ترین افراد، منافقان دوزبانه

امام علی(ع) از قول پیامبر اکرم(ص) نقل می‌فرماید: من از دو طایفه نسبت به امت خود اطمینان دارم که از ناحیه آنها به امت من گزند نمی‌رسد و نسبت به یکی طایفه دیگر نگرانم، هر چه بر سر امت من بیاید از ناحیه این طایفه است. آن دو طایفه من از ناحیه آنها مطمئنم یکی طبقه مومن خالص است و یکی طایفه کافر خالص. اما مومن خالص بدبهی است که همان ایمان وی کافی است که او را مانع شود از اینکه قدم بدی بر ضرر امت مسلمان بردارد، و کافر محض که هم پادشش کافر است و هم ظاهرش. از ناحیه او هم نگرانی نیست. زیرا هر وقت کفر صریح با ایمان صریح و باطل آشکار با حق آشکار روبه‌رو شود از ایمان شکست می‌خورد، و اما آن طایفه‌ای که من از ناحیه آنها نگرانم مردم منافق و دو رو و دو زبان می‌باشند که در گفتار و در ظاهر مومن می‌باشند و در باطن خود کفر را مستور کرده‌اند (در ظاهر مانند گوسفند سلیم و در قفا همچو گرگ آدم‌خوار می‌باشند). ^(۱)

۱- نهج‌البلاغه- نامه ۳۷

پرسش و پاسخ

نعمت زبان و لزوم شکر آن

پرسش:

شکر یکی از نعمت‌های بزرگ پروردگار نسبت به ما آدمیان که همان نعمت زبان و نطق و بیان است، چگونه عملی می‌شود؟

پاسخ:

مفهوم واقعی شکر

نعمت الهی هر اندازه بزرگ‌تر باشد، شکر و سپاسگزاری بیشتری را ایجاب می‌کند. معنای شکر کردن ذات اقدس الهی این نیست که مانند مردمان متعلق و چرب‌زبان فقط زبان خود را با لفظ شکر و سپاس گردش بدیم، بلکه باید اولا احساس شکر و امتنان در قلب ما پیدا شود و ثانیاً باید توجه داشته باشیم که کسی که ما می‌خواهیم ششکر او را به‌جا آوریم ذات مقدس خداوند است که از مخلوقات خود بی‌نیاز می‌باشد و نه شکر زبانی و نه امتنان قلبی ما هیچ‌کدام نمی‌تواند سودی برای خداوند متعال داشته باشد. شکر واقعی یک نعمت به این است که ما بدانیم وظیفه و تکلیفی که در مورد آن نعمت و موهبت داریم چیست؟ همان وظیفه و همان تکلیف را انجام دهیم. وظیفه و تکلیف ما نسبت به یک نعمت از نعمت‌های پروردگار، چیزی جز این نیست که خداوند طرز استفاده صحیح و معمول از آن نعمت و موهبت را تحت عنوان وظیفه و به نام تکلیف به ما آموخته است.

نعمت زبان، نطق و بیان

یکی از نعمت‌های بزرگ پروردگار نسبت به ما آدمیان، نعمت زبان و نطق و بیان است. حکما بیشترین ممیز انسان را از سایر جانداران همین نطق و بیان دانسته‌اند، زیرا سخن گفتن انسان که از روز فهم و درک است، بهترین مظهر و نیکوترین نماینده تعقل و تفکر انسان است.

قرآن کریم می‌فرماید: خدای رحمان به موجب رحمانیت خودش انسان را آفرید، و با نطق و بیان آموخت (رحمن، ۳ و ۴) به موجب همین قوه بیان است که آدمیان منویات ضمیر و درون خود را به یکدیگر می‌فهمانند، و آنها را از فکر خود و اطلاع خود و حالت خود آگاه می‌سازند. به موجب همین قوه بیان است که علم از فردی به فردی و از نسلی به نسلی منتقل می‌گردد. اگر این قوه بیان نبود، زندگی اجتماعی برای بشر مقدور نبود!

شاخص‌های شکر نعمت نطق و بیان

این نعمت بزرگ نطق و بیان به نوبه خود شکری دارد. شکر این نعمت به این است که زبان وسیله حقیقت‌گویی و راستگویی باشد، نه وسیله دروغ و خلاف‌گویی یا غیبت و تهمت و سخن‌چینی و دشنام‌گویی. این زبان و قدرت نطق کردن را که خداوند آفریده، برای این است که انسان آن را وسیله کشف حقیقت قرار دهد، نه وسیله پوختن‌شدن حقیقت، یابد وسیله هدایت و راهنمایی مردم واقع شود نه وسیله ضلالت و گمراهی و نفاق و دورویی!

زبان وسیله‌ای برای بزرگ‌ترین گناهان

این زبان که از بزرگ‌ترین نعمت‌ها الهی است، موضوع بزرگ‌ترین گناهان نیز می‌باشد. زیرا نفاق و دورویی و دروغ و تهمت و غیبت و سخن‌چینی و دشنام‌گویی، که هر کدام از اینها یکی از گناهان کبیره به شمار می‌رود، ناشی از زبان است. امام علی(ع) در دعا و مناجات به پروردگار خود می‌فرماید: خدایا مرا ببخش نسبت به آنچه که به خودم وعده دادم که عمل کنم و بعد وفا نکردم! خدایا مرا ببخش نسبت به آن چیزهایی که با زبان به تو تقرب جسم ولی بعد قلب من را زانم مخالفت کرد. خدایا مغفرت و بخشش خود را شامل حال ما بگردان، نسبت به اشاراتی که با چشم کرده‌ام و اشتباهاتی که با زبان کرده‌ام و غفلت‌ها و سهوا که دل ما کرده است و لغزش‌هایی که بر زبان ما جاری شده است.(نهج‌البلاغه، خطبه ۷۶)

سلوک عارفانه

عوامل اساسی فرهنگ‌سازی جامعه

دو عاملی که در فضای جامعه نقش اساسی را ایفا می‌کنند و نقش اساسی در فرهنگ‌سازی را دارند.
۱- بیش از هر چیزی مؤثر هستند چرا که هم جنبه فاعلیت و هم جنبه مفعلیت دارند. آن دو قشر (عامل) فرهنگ‌ساز، امرا و علما هستند.^(۱)

۱- ادب الهی، ایاتالله شیخ مجتبی تهرانی(ره)، کتاب دوم، ص ۱۹۰

صفحه معارف روزهای: شنبه، یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود

تلفن‌های مستقیم: ۰۳۳۹۴۱۹۹۱ – ۰۳۵۲۰۲۲۲۱

Maarefkayhan@Kayhan.ir